

به نام خدا

## برای مهار بیابان‌زایی در ایران چه باید کرد؟

### بیابان‌زایی چیست؟

منظور از بیابان‌زایی، همان فرآیند تخریب سرزمین<sup>۱</sup> است اگر قلمرو اثر آن به سرزمین‌های خشک، نیمه‌خشک و نیمه‌مرطوب خشک محدود شود؛ اثری که می‌تواند ریشه‌ی انسانی یا طبیعی داشته باشد. به عبارت دیگر، چنانچه با پدیده‌ی تخریب سرزمین در مناطق مرطوب یا فراخشک کره‌زمین روبرو باشیم، مجاز نیستیم تا از آن با عنوان «بیابان‌زایی» یاد کنیم. با این وجود، تجربه‌های دست‌کم یکی دو دهه‌ی اخیر آشکارا نشان می‌دهد که دستکاری‌های انسانی هم توانایی تولید بیابان‌های دست‌ساز<sup>۲</sup> در آمزون را دارد و هم قدرت فن‌آورانه‌ی آدمی ثابت کرده که در مناطق فراخشک هم پتانسیل تولید وجود دارد و ممکن است در اثر فشارهای انسانی در آن لکنتهایی جدی آفریده شود. مانند تلاش عربستان یا لیبی برای استخراج آب‌های فسیلی از اعماق یک هزارمتری بیابان‌های مرکزی‌شان که منجر به دستکاری‌های عمده در رخساره‌های سطحی و افزایش چشمه‌های تولید گرد و خاک در منطقه یا همان بیابان‌زایی شد.

چنین است که اینک به نظر می‌رسد باید بپذیریم: جریان کاهنده‌ی کارایی سرزمین یا همان بیابان‌زایی می‌تواند در هر طول و عرض جغرافیایی، هر ارتفاع و هر فاصله‌ای از دریا رخ دهد و تنها گرانیگاه یا نقطه‌ی تمیز آن، همانا کیفیت رد پای بوم‌شناختی<sup>۳</sup> مردمان ساکن در هر سرزمین است.

### اهمیت موضوع در ایران:

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد تمامی قلمرو ۱۶۵ میلیون هکتاری ایران، متأثر از فرآیندهای بیابان‌زایی و به شدت آسیب‌پذیر از آن است. نشان‌زدهای محیطی چون افت سطح آب زیرزمینی به میزان دو متر در سال در ۶۰ دشت اصلی مرکزی کشور به وسعت یکصد میلیون هکتار، نشست زمین نه فقط در اغلب مناطق حاشیه‌ی بیابان‌های مرکزی که در آبی‌بیگلو اردبیل، خانمیرزا چهارمحال و بختیاری، معین‌آباد ورامین و قهاوند همدان، ظهور فروچاله‌هایی بزرگ در کبودرآهنگ همدان، بروز پدیده‌ی خودسوزی زمین در قره‌داغ و پریشان در فارس یا گندمان در بروجن، خشک شدن

<sup>۱</sup> Land degradation

<sup>۲</sup> Green desert

<sup>۳</sup> Ecological footprint

تالاب‌ها و دریاچه‌های داخلی، افت حاصلخیزی و شورشیدن خاک، تشدید کانون‌های بحرانی فرسایش بادی و طغیان چشمه‌های تولید گرد و خاک، افزایش سیل‌خیزی و جابه‌جایی قابل توجه خاک و پرشدن مخازن سدها و سرانجام متروکه شدن روستاها و تشدید مهاجرت‌های انسانی از جمله مؤلفه‌های نگران‌کننده‌ای است که حضور پررنگ و شتابناک بیابان‌زایی در ایران را غیرقابل انکار می‌نماید. تهدیدی که اگر فکری برای مهار آن نشود، با توجه به موقعیت استقرار ایران در عرض ۳۵ درجه شمالی - موسوم به کمربند خشک جهان - امکان جبران تخریب‌ها، حتی به فرض از بین بردن عامل کاهنده‌ی کارایی سرزمین هم به کمینه تقلیل خواهد یافت و عملاً با توجه به هزینه‌های کمرشکن بازسازی و خودحیایی طبیعی، امکان برگشت به شرایط مطلوب<sup>۴</sup> وجود نخواهد داشت.

### چه باید کرد؟

دامنه‌ی شکنندگی فلات ایران در برابر فشارهای انسانی به شدت بالاست؛ واقعیتی که یگانه پیامش برای برنامه‌ریزان و کلان‌نگران حکومتی باید آن باشد که مهم‌ترین راهبرد کشور، همانا شناخت قوانین طبیعی و تبعیت از آنها در طراحی چیدمان توسعه است. داشتن نقشه‌ای از حساسیت اراضی به بیابان‌زایی، امکان بررسی کمی و کیفی ردپای بوم‌شناختی ۳۱ استان کشور و آگاهی از میزان بدهکاری اکولوژیک هر یک، شاید کف اطلاعات لازم برای هر نوع برنامه‌ریزی درازمدت در کشور، حتی در زمینه‌ی تعیین رقم رشد جمعیت برای نیم قرن آینده است. باید به سمت کشف و بهره‌برداری از مزیت‌های طبیعی کشور حرکت کرده و تا جایی که امکان دارد، بکوشیم تا وابستگی معیشتی به سرزمین کاهش یابد. بحران دریاچه ارومیه آشکارا نشان می‌دهد که تشدید نابخردانه‌ی فشارهای انسانی تا چه اندازه توانسته وضعیتی خطرناک در آبخیزی بیافریند که متوسط موهبت‌های آسمانی آن به مراتب از متوسط کشوری بهتر بوده است.

استفاده از مزیت مرز آبی چند هزار کیلومتری کشور، استحصال انرژی‌های نو، تقویت زیرساخت‌های لازم برای رونق گردشگری طبیعی، تاریخی و فرهنگی و ترویج کسب و کارهای سبز در شمار مهم‌ترین اولویت‌های کشور برای نیم قرن آینده باید باشد.

---

<sup>۴</sup> climax